

بسم الله الرحمن الرحيم

تحقيق فراغير پيرامون

# اهميت مسجد

محقق

على غضنفرى

بسم الله الرحمن الرحيم



### وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.<sup>۱</sup>

مساجد از آن خداوند است. پس هیچ کس را با او نخوانید.

هر مکتبی نیاز به زمینه‌هایی دارد تا اهداف خود را تبیین نموده و اصول اعتقادی خود را بشناساند، یکی از این زمینه‌ها وجود مکانی خاص است؛ مکانی که راه یافتگان به آن مکتب در آن شکل یابند، هم نوعان خود را بشناسند، و راههای تحقق اهداف مکتب را بررسی نموده و عملی کنند.

با مراجعه به تاریخ، در می‌یابیم که تمامی آیینهای مختلف دوران بشر، مکانی که سنبل آن مرام و مذهب بوده است، داشته‌اند. بت‌پرستان برای نگهداری بت‌های خود، پرستش و ستایش، اهدای نذورات، درخواست حوائج و... بتخانه ساخته بودند و در تجلیل و اکرام آن کوتاهی نمی‌کردند. آتش پرستان، مکانی به نام آتشکده یا آذرکده دارند. دراویش در خانقاه جمع می‌شوند. یهودیان در کنیسه اجتماع می‌کنند و مسیحیان برای خود کلیسا ساخته‌اند و راهبان و از دنیا گریزان آنان به مکانی به نام صومعه می‌روند.

مکانی که اسلام برای عبادت مسلمین در نظر گرفته است «مسجد» نام دارد و آن به معنای محل سجده است و سجده نزدیکترین حالت بنده به خدای خویش است.

قال الصادق عليه السلام: إنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - سوره جن، آیه ۱۸ .

<sup>۲</sup> - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۳۲.

ربیعہ بن کعب گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: هفت سال خدمت من کردی حال هرچه می خواهی از من بخواه، عرض کردم به من فرصت بده تا فکر کنم. فردا به حضور رسیدم، فرمود: نیازت چیست؟ عرض کردم از خداوند بخواه مرا همراه خودت به بهشت ببرد. حضرت که همّت والای ربیعہ را دید به او فرمود: این سخن را کی به تو آموخت، گفتم هیچ کس، خودم فکر کردم اگر ثروت بخواهم پایان می پذیرد، اگر عمر بخواهم عاقبت می میرم. پیامبر لحظه ای سر به زیر انداخت و سپس فرمود: از خدا می خواهم، تو هم مرا در استجابت دعایم با سجده بسیار یاری نما.

### مقایسه معابد

معابد برخی ادیان و مکاتب، غالباً تشریفاتی است، مجالس آن بی روح و جان است نه حرکتی ایجاد می کند و نه تأثیری می گذارد. در برخی معبدها انواع لهو و لعبها را وصول به حق معرفی می کنند، برخی دیگر به محل اعتراف گناه و... تبدیل گشته و به قرائت چند جمله خلاصه می شود؛ اما مسجد، بنایی تهیه شده از دسترنج اقشار جامعه و محل ارتباط همیشگی عاشق و معشوق، عبد و معبود است. مسجد در اسلام محلی برای زدودن کینه ها، ایجاد علقه های محبت با دوستان، همدلی و همدردی، خبر یافتن از احوال یکدیگر، اتحاد و یکرنگی، نشستن فقیر و غنی در کنار هم، و علاوه محلی امن برای اعتراف به درگاه حیّ سبحان و زدودن گناهان است، مسجد محل نشر معارف اسلامی چون فقه، اصول، حدیث و تفسیر می باشد.

در مسجد احکام اسلام منتشر، دین خدا به مردم شناسانده و جامعه به سوی خیرات و مبرآت سوق داده می‌شود. منبر مسجد محل نشر معارف است، محل موعظه و ارشاد است، خطیب بر جایگاه پیامبران و اوصیای آنان تکیه می‌کند و بایسته‌ها را بیان می‌دارد و رسالت خطیر پرورش و آموزش را از آنجا آغاز می‌نماید.

...يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...<sup>۳</sup>

آیات او را بر مردم می‌خواند و آنان را پاک می‌کند و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد.

محراب مسجد، محل حرب امام با سه کس می‌باشد:

۱ - نفس درونی که سرسخت‌ترین دشمنان است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك.<sup>۴</sup>

سرسخت‌ترین دشمنان تو، نفسی است که در ذات توست

۲ - ابلیس که نفس را وسوسه می‌کند.

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۵</sup>

ابلیس خیال خود را در مورد قوم سبأ عملی ساخت و همگی جز گروه اندکی از مؤمنین، از وی پیروی نمودند.

۳ - شیاطین که به عنوان مبلغان ابلیس عمل می‌کنند.

<sup>۳</sup> - (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲)

<sup>۴</sup> - بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۶۴.

<sup>۵</sup> - سوره سبأ، آیه ۲۰.

## ...كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا...<sup>٦</sup>

همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان راه گم کرده است.

لذا خطیب که بر اوج منبر نشسته می‌بایست قبل و بعد از آن در محلی پایین‌تر از همه خلایق، به مبارزه با خویش برخیزد. مأذنه مسجد، محل اعلام اوقات اجازه بار یافتن به درگاه احدیت جلّ و علی است. مؤذن با بیان اولین کلمات اذان، بار عام خداوند را اعلام می‌دارد، تا هر کس عشق محبوب در سر دارد دیدار تازه نماید و با او سخن گوید به او نزدیک شود، «الصلوة قربان كل تقى» و به معراج رود، «الصلوة معراج المؤمن».

### مسجد در قرآن

در قرآن کریم واژه «مسجد» ۲۲ بار به صورت مفرد و ۶ بار به صورت جمع، آمده است. از این ۲۸ مورد، در ۱۵ آیه مقید به واژه «حرام» شده است، ۸ مورد به صورت مطلق آمده است، سه مورد با «الله» همراه شده و در دو مورد دیگر مقید به «اقصى» و «ضرار» شده است.

### مسجد مقید به حرام

آیاتی که این واژه در آنها وارد شده است بر چند دسته‌اند.

۱- برخی از این آیات تغییر قبله مسلمین را مطرح می‌فرمایند.

<sup>٦</sup> - (سوره انعام، آیه ٧١).

می‌دانیم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سیزده سال در مکه به سوی بیت‌المقدس نماز می‌گزارد،<sup>۷</sup> این روّیه بعد از هجرت تا هفده ماه ادامه داشت. باب طعن یهود بر مسلمین باز شد و به دینی که از قبله دیگران استفاده کند ایراد می‌گرفتند، شبی که ظلمت از نیمه گذشته بود، پیامبر مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از منزل خارج شد و به آسمان چشم دوخته و منتظر صدور فرمان الهی بود، شب به صبح رسید و وحی نازل نشد، پیامبر مکرم نماز صبح را گزارد، هنگام نماز ظهر رسید و باز خبری نشد، پیامبر می‌دانست، کعبه قبله حقیقی است و بیت‌المقدس قبله موقتی می‌باشد، لذا هر لحظه منتظر تغییر این حکم بود، دو رکعت از نماز ظهر تمام شده بود که حضرت جبرئیل علیه‌السلام نازل گشت و فرمود:

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...<sup>۸</sup>

بعد از ابلاغ وحی، ملک وحی دست پیامبر را گرفت و صورتش را به سوی کعبه نمود، و مردم همه صورت خود را و مکان خود را تغییر دادند، مردان جای زنان و زنان در مکان مردان واقع شدند، این مسجد که اکنون دو محراب در آن مشخص است «ذو قبلتین» گویند.

علت تغییر قبله در آیه مذکور طلب رضایت پیامبر ذکر شده است و البته در آیه دیگری خداوند متعال علت این تحوّل را امتحان مردم و شناخت تبعیت کنندگان واقعی از احکام و دستورات الهی بیان می‌نماید.

<sup>۷</sup> - ذکر دو نکته لازم به نظر می‌رسد: اول آنکه نمازی که در مکه اقامه می‌شد به شکل نماز کنونی ما نبود، زیرا تشریح چنین نمازی در مدینه محقق شده است. و دوم آنکه بنا بر آنچه که در کتب تاریخی آمده است، پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه معظمه در زاویه‌ای نماز می‌خواند که مکه و بیت‌المقدس در یک مسیر قرار می‌گرفتند.

<sup>۸</sup> - (سوره بقره، آیه ۱۴۴) نگاههای انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می‌بینیم، اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام نما و هر کجا باشید بدان سو روی کنید.

وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ

وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ.<sup>۹</sup>

۲ - برخی دیگر از این آیات مربوط به فریضه حج می‌باشند.

در اواخر سال ششم قمری، پیامبر در رؤیائی می‌بیند که مسلمانان در مکه مشغول انجام فریضه حج هستند. پیامبر مکرم بعد از مدتی از این رؤیای صادقه دستور حرکت برای حج داد. تعداد بین ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر در رکاب حضرت آماده حرکت شدند، قریش تا دندان مسلح شده و اطراف مکه مانع حرکت مسلمین گشتند، پیامبر اسلام در منطقه حدیبیه خیمه زدند. نتیجه این سفر، عقد قرارداد صلح حدیبیه بود، بنا بر آنچه که در این صلح‌نامه به امضای طرفین رسید، مسلمانان می‌توانستند سال آینده برای حج به مکه بیایند و قریشیان بایستی مزاحمتی ایجاد نکنند. برخی یاران پیامبر در رؤیای حضرت شک و تردید نمودند، زیرا آنان گمان کرده بودند که همان سال حج خواهند کرد، در حالی که پیامبر حج را در رؤیا دیده بودند نه انجام اعمال حج در آن سال، آیه ذیل به همین مطالب اشاره دارد.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ...<sup>۱۰</sup>

۳ - بعضی دیگر از آیات اهمیت جهاد را یادآور می‌شوند.

<sup>۹</sup> - (سوره بقره، آیه ۱۴۳) آن قبیله‌ای که قبلاً بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم که پیروان پیامبر از کسانی که به سوی جاهلیت بر می‌گردند مشخص شوند، و البته این حکم جز برای خاشعین دشوار است.

<sup>۱۰</sup> - سوره فتح، آیه ۲۷ خداوند در آنچه که در عالم خواب به پیامبرش نشان داد راست گفت، به خواست خداوند همه شما در امنیت کامل وارد مسجدالحرام می‌شوید.



دو ماه قبل از وقوع جنگ بدر، پیامبر هشتاد نفر از مهاجران را به فرماندهی «عبدالله بن جحش» برای تعقیب کاروان قریش حرکت داد، این عده روز آخر ماه رجب را برای جنگ مناسب دیدند و چون می‌ترسیدند که فردای آن روز کاروان به سرزمین امن برسد، همان روز نبرد را شروع نمودند، در این سَرِیه، سپاه اسلام پیروز شد و با غنائم و اسرا وارد مدینه گردید، پیامبر از وقوع جنگ در روز آخر ماه حرام ناراحت می‌شود. یهود و قریش تبلیغات گسترده‌ای را به راه انداختند و عنوان نمودند که پیامبر حرمت ماه حرام را نگه نداشته است. آیه ذیل برای رفع ابهام از این مسئله نازل شد.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ  
إِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ...<sup>۱۱</sup>

۴ - از همین دسته از آیات، آیه حرمت ورود مشرکین به مسجدالحرام را می‌توان نام برد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ  
هَذَا...<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۱</sup> - (سوره بقره، آیه ۲۱۷) از تو در باره جنگ در ماه حرام می‌پرسند، بگو جنگ در آن گناهی بزرگ است ولی جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن به او و هتک احترام مسجدالحرام و اخراج ساکنان آن نزد خداوند مهمتر است.

<sup>۱۲</sup> - (سوره توبه، آیه ۲۸) ای مؤمنین، مشرکین ناپاکند، پس نباید بعد از امسال وارد مسجدالحرام شوند.

۵ - و آیات مربوط به منع از اعمال حج توسط مشرکین نیز از همین دسته شمرده می‌شود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِن عَذَابِ آئِمٍ.<sup>۱۳</sup>

### مساجد الله

از سه آیه‌ای که این اصطلاح در آن به کار رفته است، دو آیه مربوط به عمران مساجد و آیه‌ای نیز مربوط به گمراهی منع کنندگان از یاد خدا در مساجد، می‌باشد. در اینجا به بیان آیه سوم می‌پردازیم.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...<sup>۱۴</sup>

### مسجد الاقصى

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي

بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۳</sup> - سوره حج، آیه ۲۵ کسانی که کافر شدند و مؤمنان را از راه خدا و مسجدالحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم، باز داشتند، و نیز کسانی که در این سرزمین منحرف گردند و ظلم کنند، عذابی دردناک به آنان می‌چشانیم.

<sup>۱۴</sup> - (سوره بقره، آیه ۱۱۴) و کیست ستمکارتر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند، و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید.

در تاریکی شب، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواست استراحت کند، صدای آشنای جبرائیل امین علیه‌السلام به گوش وی رسید که امشب سفری در پیش دارید و...

حضرت سفر خود را از خانه «ام هانی» خواهر حضرت امیر علیه‌السلام آغاز نمود و با مرکب «براق» یا «رفرف» به سوی بیت‌المقدس رفتند و نیز از بیت‌الرحم دیدار نمودند، و سپس قسم دوم سفر خود را به آسمانها آغاز نمودند. پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در این قسم از سفر، مراکز رحمت و غضب الهی و نیز درجات کسانی که اهل بهشت خواهند شد و یا به جهنم خواهند رفت و نوع ثواب و عقاب آنان، مشاهده فرمود و از اسرار آفرینش آگاه گردید، سپس به سدره‌المنتهی رسید و آن را سراسر از شکوه و جلال دید، بعد از آن بازدیدها مأمور فرود گشت و در بیت‌المقدس فرود آمد و به مکه مراجعت نمود. مسجد بیت‌المقدس را، به واسطه دوری آن از مکه، مسجدالاقصی نامیده‌اند.

## مسجد ضرار

یکی دیگر از مساجدی که در قرآن نام آن به میان آمده است، مسجد ضرار است. پیرامون ساخت این مسجد و اهداف سازندگان آن به تفصیل در مبحث «تقوا و ضرار» بحث خواهیم نمود.

## مهمترین مساجد جهان

---

<sup>۱۵</sup> - (سوره اسراء، آیه ۱) منزله است خدایی که بنده‌اش را در يك شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم، همانا او شنوا و بیناست.

پیش از این نکاتی پیرامون مسجدالحرام و مسجدالاقصی بیان شد، تعداد دیگری از مساجدی که در تاریخ اسلام نقشی حساس ایفا کرده‌اند عبارت‌اند از:

## مسجد قبا

این مسجد را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام هجرت و در دو فرسخی مدینه، جایی که منتظر ملحق شدن حضرت امیر علیه‌السلام بود ساختند.

## مسجدالنبی

بعد از ورود پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به مدینه و استقبال بسیار گرم مردم، آن حضرت محل توقف شتر را خریداری و مسجدی با دیوارهای خشتی و گلی و پایه‌هایی از تنه درخت خرما ساختند و سقف آن را با شاخه‌های درخت خرما پوشانیدند، در این مسجد دهها بار تغییرات کلی صورت گرفته است. مسجدالنبی محل مواظب پیامبر، اعلان جنگ، حرکت قشون، تقسیم غنائم، قضاوت و حکومت بود؛ و لحظاتی حساس از تاریخ را به خود اختصاص داده است.

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در آغاز، نشسته مردم را موعظه می‌نمود، در پی از دیاد جمعیت مسلمین، حضرت بر تنه درخت خرمایی که بعداً «اسطوانة الحنانه» نامیده شد، تکیه می‌کردند، سپس برای رعایت حال حضرت، منبر سه پله‌ای ساختند و حضرت، بر منبر موعظه می‌نمود.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۶</sup> - در مکه و مدینه و بین مسیر، به واسطه مناسبتها، طوایف ساکن در محل غزوات، مساجد متعددی ساخته شده است که اسامی برخی از آنها عبارت‌اند از: مسجد - غمامه - اجابه - سُقیاء - فضیح - معرس - بنی‌ظفر - جمعه - ذباب، و مساجد سبعة مسجدالفتح - مسجد حضرت علی علیه‌السلام، مسجد حضرت زهرا علیها السلام، مسجد حضرت سلمان، مسجد نوقلتین، مسجد ابابکر، مسجد عمر.

## مسجد جامع دمشق

یکی از مساجدی که در تاریخ اسلام شاهد کریه‌ترین صحنه‌ها از حکومت بنی امیه می‌باشد، مسجد جامع دمشق معروف به «مسجد اموی» است.

به نقل تواریخ، مدفن سر حضرت یحیی علی نبینا و آله و علیه‌السلام، محل نزول حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه‌السلام، محل پذیرش نذر هابیل و عدم پذیرش نذر قابیل در این مسجد قرار دارد.

## تقوا و ضرار

مردم مدینه برای استقبال از حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به صورتی غیر قابل توصیف انتظار می‌کشیدند. آن حضرت در دهم ماه ربیع سال سیزدهم بعثت از مکه به سوی مدینه حرکت و در دوازدهم همین ماه حوالی ظهر به منطقه قبا رسیدند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چند روزی در این محل منزل نمودند تا حضرت امیر علیه‌السلام که مأمور بود در جای پیامبر بخوابد تا امکان هجرت برای پیامبر فراهم شود و نیز مأمور تحویل امانت‌های مردم بود، به آنان ملحق شود؛ و در همان چند روز پیامبر مسجدی بنا نمودند که به نام مسجد قبا شهرت گرفت.

قرآن کریم ویژگی‌های این مسجد را چنین بیان می‌فرماید:

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...<sup>۱۷</sup>

از همان لحظات آغازین ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه، عده‌ای که آمدن این جلال و حشمت برای آنان ثقیل بود، از کثرت استقبال کنندگان و احساس وجد و سرور مردم، تخم نفاق و کینه موجود در دلشان را تقویت نمودند و در صدد مقابله با او برآمدند.

تا وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند، جز دو گروه مسلم و مشرک، کسی وجود نداشت و مؤمنان و مشرکان هر کدام صف واحد خود را داشتند و به دقت یکدیگر را می‌شناختند. اما از وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، عده‌ای که کفر خود را مایه نابودی خود می‌دیدند، و از سویی با هیچ کدام از برنامه‌های پیامبر هماهنگ نبودند؛ خود را به نام مسلمان در جامعه اسلامی جا زدند و از هر اقدامی برای ضربه زدن به این دین نوپا دریغ نمی‌ورزیدند.

شبی عده‌ای از آنان در خانه‌ای جمع شده و هر یک راز دل خویش آشکار می‌نمودند تا بار غم آنان به اصطلاح سبک گردد. یکی از همین دسته معتب بن قشیر بود، سخن وی حکایت از غمی عجیب و مستولی شده بر روح و روانش می‌کرد، می‌گفت: من نمی‌توانم بیان کنم که حزن و اندوه چقدر مرا عذاب می‌دهد، هر وقت از مسجد قبا می‌گذرم، مثل

این است که خار مغیلان در چشمم می‌جنبید همه جا سخن از قبیله بنی عمرو بن عوف است.

<sup>۱۷</sup> - (سوره توبه، آیه ۱۰۸) همانا مسجدی که بنیانش از اول بر پایه تقوا محکم بنا گردید بر اینکه در آن اقامه نماز کنی سزاوارتر است.

ودیعۀ بن ثابت نیز گفت: من راه حلی دارم تا بار غم ما کم شود و ما هم مانند قبیله بنی عوف، (محلۀ قبا) منزلتی پیدا کنیم. همگی اظهار علاقه کردند تا راه حل را بشنوند. وی گفت: ما هم مسجدی بنا می‌کنیم و امامت آن را به ابو عامر راهب<sup>۱۸</sup> می‌سپاریم و در مسجد خود نماز می‌گزاریم.

حضار در مجلس نظر ودیعۀ بن ثابت را پسندیدند و عده‌ای از آنان نزد پیامبر که برای آخرین غزوه خود «تبوک» آماده می‌شد رفتند و اجازه ساخت مسجدی برای پیران و سالخوردگان و رنجوران نمودند. پیامبر اکرم بهانه سفر آورد و آن را به بعد از مراجعت از تبوک واگذار نمودند.

منافقان از حاضر نبودن پیامبر سوء استفاده نموده و به سرعت مسجد بنا نهادند، بعد از ورود پیامبر به مدینه، منافقین از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌خواستند، تا مسجدشان را افتتاح کند. آنان می‌دانستند که افتتاح مسجد به وسیله پیامبر، مشروعیت مسجدشان را اثبات خواهد کرد و بدون آن کشاندن مردم به آن مسجد کار ساده‌ای نبود. در این اثنا فرشته وحی نازل گشت و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از جریان آگاه نمود.

<sup>۱۸</sup> - ابو عامر، پدر حنظلہ غسیل الملائکہ است. وی از اشراف قبیله خزرج و ماهر در تورات و انجیل بود. با آمدن پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه، کسی به وی اعتنایی نمی‌کرد؛ سوگند خورده بود که هر کس با مسلمین وارد جنگ شود به آنان کمک کند. در جنگ بدر به مکین پیوست، در جنگ احد اولین نیز را به سوی مسلمانان رها نمود، در حنین نیز حاضر بود، وی در این جنگ فرار کرد و به پادشاه روم «هرقل» پناهنده شد و از وی درخواست سپاه برای حمله به مسلمین می‌نمود. وی به پیران خود نوشت مسجدی بسازند و به بهانه نماز، نقشه‌های خود را طرح کنند.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ  
اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهِ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \*

لا تَقُمْ فِيهِ أَبَداً...<sup>۱۹</sup>

بعد از نزول آیات، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور ویران نمودن مسجد را صادر فرمودند، در پی این دستور خانه ضلال و دکان نفاق به وسیله مؤمنین فرو ریخت، چوبهایش را سوزاندند و مزبله اش نمودند و بدین وسیله ضربه ای شکننده بر منافقین وارد ساختند.

ویژگیهای این مسجد در این آیه شریفه از قرآن عبارت اند از:

۱ - «ضرار» این کلمه به معنای ضرر و زیان عمدی است و آنان آگاهانه و نه جاهلانه می خواستند مقدمات نابودی اسلام را تدارک ببینند.

۲ - «کفرأ» آنان با این عمل می خواستند مردم را به وضعیت سابق و دوران جاهلیت و بت و شخص پرستی برگردانند.

۳ - «تفریقاً» علت ساختن چنین مسجدی از بین بردن وحدت صفوف مردم، ایجاد دوگانگی و آغاز پدیده افتراق و دسته بازی و گروه گرایی بود.<sup>۲۰</sup>

<sup>۱۹</sup> - (سوره توبه، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷) کسانی که مسجدی ساختند برای زیان رسانیدن و تقویت کفر و تفرقه بین مؤمنین و ایجاد کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و رسولش مبارزه کرده بود، آنهایی که سوگند یاد می کنند جز نیکی نظری نداشته ایم، خداوند گواهی می دهد که دروغ می گویند. در آن مسجد هرگز نماز اقامه مکن.



۴ - «ارصاداً» منافقین می خواستند با ساخت این مسجد پایگاهی برای طرح مسائل خود ساخته و در کمین مسلمین قرار بگیرند و اعمال ضد دینی خود را در پوشش مسجد و محراب انجام دهند؛ آنان می دانستند که مقابله با اسلام به وسیله لشکر و سلاح امکان پذیر نیست، بلکه اوّل بایستی مبارزه فرهنگی را آغاز نمود.

در آیه دیگر خدای متعال ضمن مقایسه مسجد قبا و ضرار برخی خصوصیات دیگر را برای این مسجد بیان می فرماید:

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.<sup>۲۱</sup>

۵ - یکی دیگر از خصوصیات این مسجد بی ثباتی و سستی آن است. خداوند ساختن چنین مکانی را، به ایجاد آن بر لب چاهی که سیلاب زیر آن را خالی کرده است تشبیه نموده، طبیعی است که چنین مکانی از پایه سست است.

در آیه بعد خداوند متعال به علت ایجاد این بنا اشاره می فرماید:

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.<sup>۲۲</sup>

<sup>۲۰</sup> - مساجد متعدد در جاهانی که نیاز به تعدد نیست آثار مخربی به بار آورده است. در برخی از مناطق کوچک که دارای چند مسجدند، هر مسجد مختص به قشر و گروهی خاص شده است این پدیده حساسیتهای قومی و گروهی را افزایش می دهد. علی هذا فاصله بین مساجد باید بحدی باشد که این تبعات فاسده را نداشته باشد.

<sup>۲۱</sup> - (سوره توبه، آیه ۱۰۹) آیا کسی که شالوده آن را بر پایه تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده یا کسی که اساس آن را بر پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو ریزد (مساوی هستند) خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی کند.

۶ - ویژگی دیگر این مسجد این است که علت ساخت آن عبادت و نیایش نبوده است؛ بلکه شک و تردید، نفاق و ظلمت و در نهایت حیرانی و سرگردانی موجب ساخت چنین مسجدی شده است.

کلیات مباحث مربوط به موضوع در اینجا پایان پذیرفت، در مبحث آینده به بررسی اهمیت مسجد و وظایف ما در قبال آن می‌پردازیم.

## ما و مساجد

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْلِيَاكَ  
أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.<sup>۲۳</sup>

یکی از ویژگیهای دین مبین اسلام وجود اماکنی برای ایجاد شور و نشاط روحی و روانی و نیز تقویت ارتباط با خدای متعال است.

مسجد محل ارتباط انسانهای مختلف با هم و ایجاد پیوندهای عمیق قلبی و مکانی، برای اتصال به مبدأ لایزال و ارتباط با خداوند به دور از مشغله‌های ساعات گذشته عمر است.

بر اساس آنچه که از آیات و اخبار و احادیث مربوطه استفاده می‌کنیم می‌توان چنین گفت که، اسلام برای مسجد احترام ویژه‌ای قائل است.

<sup>۲۲</sup> - (سوره توبه، آیه ۱۱۰) این بنیایی که آنان ساخته‌اند همواره به صورت يك وسیله شك و تردید در دل‌هایشان باقی خواهد ماند، مگر اینکه دل‌هایشان پاره پاره شود، و خداوند دانا و حکیم است.

<sup>۲۳</sup> - (سوره توبه، آیه ۱۸) مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که، ایمان به خدا و روز قیامت آورده نماز بپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و جز از خدای نترسند، امید است چنین گروهی هدایت شوند.

در این مبحث بر آنیم که برخی از خصوصیات احترام ارزشمندی که اسلام برای مسجد و اهداف آن در ضمن آیات و اخبار آورده است بیان کنیم.

## بنا و عمران مسجد

در آیه شریفه فوق خداوند متعال به نحو حصر، شرایطی را برای سازندگان مسجد معین می‌فرماید که از جمله آنها است:

### ۱ - ایمان به خداوند

مسجد محل عبادت و نیایش، به درگاه حیّ لایزال است و کسی که معبود را نشناسد حق ورود به خانه وی را ندارد چه رسد به اینکه بخواهد مسجدی را بسازد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید:

اِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَغْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ.<sup>۲۴</sup>

و سپس به همین آیه استشهاد می‌فرماید.

### ۲ - ایمان به آخرت

عبادت بایستی توأم با خوف و رجاء باشد، خوف و اضطراب از خشم و غضب خداوند که تباهی آخرت را به دنبال دارد و رجاء و امید به رحمت واسعه او که سربلندی آخرت را در پی خواهد داشت. کسی که محل عبادت می‌سازد بایستی بدانند که این محل را برای چه می‌سازد و خود بدان اعتقاد داشته باشد.

### ۳ - اقامه نماز

بنای مسجد امری استحبابی است، امور استحبابی در کنار واجبات زینت آنها محسوب می‌شوند. عمل استحبابی که

<sup>۲۴</sup> - وقتی کسی را دیدید که دائماً به مسجد می‌رود به ایمان وی شهادت دهید عو الی اللالی، ج ۲، ص ۳۲.

بدون توجه به واجبات اتیان شود، علاوه بر اینکه بهره‌ای ندارد گاهی موجب وزر و وبال می‌شود.

#### ۴ - ادای زکات

تا انسان حقوق شرعیه اموال خود را پرداخت نکرده باشد، حق تصرف در اموال خود را ندارد و لذا قبل از بنای مسجد، باید به این واجب چون واجبات دیگر پرداخت.

#### ۵ - ترس از خداوند

کسی که علقه‌های گوناگون در دلش پرورش می‌دهد و از بتهای زیادی اضطراب و وحشت دارد و قلب را حرم امن الهی قرار نداده است ساخت مسجد برای او بی‌اثر است. آن کس اجازه چنین عملی را خواهد یافت که، هیچ فرمانی جز فرمان خداوند و هیچ قانونی جز قانون او به رسمیت نشناخته باشد.

پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در اهمیت و ثواب ساختن مسجد و عمران آن می‌فرماید:

مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةً

مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَ يَاقُوتٍ وَ زُمُرَدٍ وَ زَبْرَجَدٍ وَلَوْلُوءٍ...<sup>۲۵</sup>

و نیز فرموده است:

سَبْعَةَ أَشْيَاءٍ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ، رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا، وَحَفَرَ بئرًا، وَأَجْرَى نَهْرًا، وَبَنَى مَسْجِدًا، وَكَتَبَ

مُصْحَفًا، وَوَرَّثَ عِلْمًا، وَخَلَّفَ وُلْدًا صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۵</sup> - کسی که مسجدی را در دنیا بسازد، خدای متعال به اندازه هر وجب از آن مسیر چهل هزار سال، شهری از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ به وی عطا می‌فرماید وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۴.

<sup>۲۶</sup> - هفت عمل هستند که حتی بعد از وفات انسان در نامه عمل او نوشته می‌شود، کسی که نخلی غرس کند، چاهی حفر نماید و آبی را جاری سازد و مسجدی را بنا نهد و قرآنی را بنویسد و علمی را در پی خود بگذارد و فرزند صالح که بعد از وفاتش برای او استغفار کند معدن الجواهر از مصادر بحار، ص ۵۹.

امام صادق علیه‌السلام در همین باره می‌فرماید:

مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمُفْحَصِ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.<sup>۲۷</sup>

هر چند بنای چنین مسجدی با این ظرفیت غیرممکن است، ولی فرمایش امام علیه‌السلام تحریص و ترغیب به ساخت مسجد و اهمیت آن را آشکار می‌سازد.

## اهمیت بنا

چهار دیواری مسجد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اخبار و احادیث زیادی در وصف این ساختمان وارد شده است که به چند مورد اشاره می‌شود.

۱ - مسجد بیت خدا و چون ستاره برای اهل آسمان است.

قال الله تبارک و تعالی: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تَضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَوَاتِ كَمَا تَضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ

الْأَرْضِ، إِلَّا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، أَلَا إِنَّ عَلَيَّ

الْمَزُورِ كِرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشَرِ الْمَشَائِينِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِنُورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۲۸</sup>

این روایت چند نکته دیگر را ذکر نموده است که در بخش آتی پیرامون آن بحث خواهیم نمود.

۲ - بهترین نقطه هر شهر مسجد آن شهر است.

<sup>۲۷</sup> - کسی که مسجدی ولو به اندازه لانه پرندۀ ای کوچک بسازد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد و مسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۸۶.

<sup>۲۸</sup> - بدان که خانه من بر زمین مسجد است، مسجد برای اهل آسمان نور می‌دهد، همان طوری که ستارگان برای اهل زمین نورانی هستند، خوشا به حال کسانی که مساجد خانه آنهاست. و خوشا بحال کسی که در خانه تطهیر نموده و سپس در مسجد مرا زیارت کند. لازم است زیارت شده، زیارت کننده را اکرام کند، بشارت ده کسانی که در تاریکی‌ها به مسجد می‌آیند به نوری ساطع در روز قیامت من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۸.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسَاجِدُهَا.<sup>٢٩</sup>

٣ - بهترین نقطه زمین مسجد می باشد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ بُقَاعِ الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ.<sup>٣٠</sup>

٤ - مسجد خانه خوبان است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافاً وَاتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ بُيُوتاً.<sup>٣١</sup>

٥ - مسجد در قیامت شهادت بر اعمال می دهد.

قال الصادق عليه السلام: صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بُقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِّ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ.<sup>٣٢</sup>

و ايضا عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَشْكُونُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ

وَعَالِمٌ بَيْنَ الْجُهَالِ وَ مُصْحَفٌ مَعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعِبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ.<sup>٣٣</sup>

٦ - ملائکه بر درگاه مسجد نشسته اند.

وَتَقْعُدُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى أَبْوَابِ الْمَسَاجِدِ يَكْتَتِبُونَ مَجِيءَ النَّاسِ حَتَّى يَخْرُجَ الْأَمَامُ.<sup>٣٤</sup>

<sup>٢٩</sup> - بهترین نقطه هر شهر مسجد آن است مجموعه و ر ١م، ج ١، ص ٦٩.

<sup>٣٠</sup> - بهترین نقاط زمین مساجد هستند مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٦٢.

<sup>٣١</sup> - در دنیا چون مهمان باشید و مساجد را خانه خود قرار دهید بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٨١.

<sup>٣٢</sup> - در مساجد مختلف نماز بگزارید که هر نقطه‌ای از زمین برای نماز گزار بر وی در روز قیامت گواهی می‌دهد همسان، ج ٨٣، ص ٣٨٤.

<sup>٣٣</sup> - سه کس به خدای شکوه می‌کنند: مسجد ویرانی که در آن همسایگانش نماز نگزارند، عالمی بین نادانان که از وی طلب علم نکنند، قرآنی آویزان شده که بر آن غبار گرفته و کسی آن را تلاوت نمی‌کند و سائل الشيعة، ج ٣، ص ٤٨٤.

<sup>٣٤</sup> - و ملائک بر درگاه مساجد نشسته‌اند و آمدن انسانها را تا زمانی که امام جماعت خارج شود، می‌نویسند کنز العمال، ٢١١٨٥.

۷ - مسجد بازار آخرت است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمَسَاجِدُ سَوْقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَتُحْفَتُهَا الْجَنَّةُ.<sup>۳۵</sup>

### مراوده با مسجد

در فصل قبل نکاتی از اهمیت مسجد گذشت ولی با اهمیت تر از بنا و ساختمان مسجد، مراوده و حفظ ارتباط با مسجد است. در این قسمت از بحث به بیان مواردی در خصوص اهمیت رفت و آمد به این مکان مقدس می پردازیم.

### ۱ - علاقه به مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: فَإِنَّ السِّيَاحَةَ فِي أُمَّتِي لَزُومُ الْمَسَاجِدِ.<sup>۳۶</sup>

### ۲ - حرکت به سوی مسجد

خدای متعال طبق روایتی قدسی می فرماید:

أَلَا بَشِيرُ الْمَشَائِينِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِنُورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ...<sup>۳۷</sup>

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَأُهَا

حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَيَرْفَعُ لَهُ عَشْرُ

دَرَجَاتٍ.<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۵</sup> - مساجد بازاری از بازارهای آخرت می باشند، پذیرایی آن به مغفرت و تحفه آن بهشت است بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۴.

<sup>۳۶</sup> - سیاحت امت من ملازمت در مساجد است بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۸۲.

<sup>۳۷</sup> - بشارت ده، روندگان به سوی مسجد در تاریکیها را به نوری گسترده در روز قیامت من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۸؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۶.

<sup>۳۸</sup> - کسی که به سوی یکی از مساجد الهی برود، به اندازه هر قدمی که بر می دارد تا به منزلش برسد، ده حسنه نوشته و ده سینه محو و ده درجه بر درجانش افزوده می شود بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۷؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۹۱.

و ايضاً عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَظْلُهُ اللَّهُ تَحْتَ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ لَهُ إِلَّا ظِلُّهُ الْوُضُوءُ عَلَى الْمَكَارِهِ

وَالْمَشْيُ إِلَى الْمَسَاجِدِ فِي الظُّلْمِ وَاطْعَامُ الْجَائِعِ.<sup>٣٩</sup>

حضرت امير عليه السلام نيز می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيَهُمْ بِعَذَابِ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً لَا يُحَاشِي مِنْهُمْ أَحَدًا إِذَا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَاجْتَرَحُوا

السَّيِّئَاتِ، فَإِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ نَاقِلِي أَقْدَامِهِمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَالْوَلْدَانِ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ رَحِمَهُمْ فَأَخَّرَ ذَلِكَ

عَنْهُمْ.<sup>٤٠</sup>

و همچنين امام صادق عليه السلام می فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ.<sup>٤١</sup>

٣ - درنگ نمودن در مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خَيْرُ النَّاسِ أَوْلَهُمْ دُخُولاً فِي الْمَسْجِدِ وَأَخْرَهُمْ خُرُوجاً.<sup>٤٢</sup>

قال عليّ عليه السلام: أَلْجِسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ مِنَ الْجِلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضَى النَّفْسِ وَالْجَامِعَ فِيهَا رِضَى

<sup>٣٩</sup> - سه چیز اگر در کسی باشد، روزی که جز سایه خدا، سایه ای نیست، خداوند وی را در سایه عرش خودش قرار می دهد. آن سه عبارتند از: ١ - وضو بر سختی و دشواری، ٢ - رفتن به سوی مسجد در تاریکیها، ٣ - خوراندن غذا به گرسنه نهج الفصاحه، کلام ١٢٢٧.

<sup>٤٠</sup> - هنگامی که اهل زمین گناه می کنند، خداوند می خواهد همه را عذاب کند به طوری که احدی باقی نماند؛ ولی وقتی به پیرانی که به سوی مسجد می روند و به نوبلگانی که قرآن می آموزند می نگرد، به همه رحم می نماید و عذاب را به تأخیر می اندازد و سائل الشيعة، ج ٤، ص ٨٣٥؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ٦٩.

<sup>٤١</sup> - کسی که به سوی مسجد می رود، پایش را بر هیچ خشکی و تری نمی گذارد، مگر اینکه تا هفت طبقه زمین وی را تسبیح می کند ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ٢٥ و ص ٦٧.

<sup>٤٢</sup> - بهترین مردم کسی است که قبل از همه وارد مسجد و بعد از همه خارج شود مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٦٢.



۴ - نهی از نرفتن به مسجد

قال الصادق عليه السلام: لا صلاة لمن لم يصل في المسجد مع المسلمين إلا من عله، ولا غيبته لمن صلى في بيته ورغب عن جماعتنا، ومن رغب عن جماعة المسلمين سقطت عدالته ووجب هجرانه وإن رفع إلى إمام المسلمين أنذره وأحذره، ومن لزم جماعة المسلمين حرمت عليهم غيبته وتبتت عدالته ومن قربت دارة من المسجد لزمه من حضور الجماعة ما لا يلزم من بعد منه.<sup>۴۴</sup>

قال علي عليه السلام: لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد.<sup>۴۵</sup>

حضرت امیر علیه السلام حدود همسایه مسجد را چنین تعیین می فرماید.

حریم المسجد أربعون ذراعاً والجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها.<sup>۴۶</sup>

۵ - نهی شدید از برگشتن از مسجد بعد از شنیدن صدای اذان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من سمع النداء في المسجد فخرج من غير عله فهو منافق إلا أن يريد الرجوع

<sup>۴۳</sup> - نشستن در مسجد از نشستن در بهشت بالاتر است، زیرا نشستن در بهشت رضایت نفس و نشستن در مسجد رضایت خدا را به همراه دارد مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۸؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

<sup>۴۴</sup> - کسی که بدون علت در مسجد و با مسلمین نماز نمی خواند نماز ندارد، غیبت وی نیز در آن باره جایز می باشد. کسی که از جماعت مسلمین اعراض کند، عدالتش ساقط و دفع وی واجب است و اگر خبر وی به امام مسلمین برسد، او را بیم دهد و برحذر دارد، و کسی که همواره در مجالس مسلمین حاضر باشد، غیبتش حرام و عدالت او ثابت است و نیز کسی که در نزدیکی مسجد سکونت دارد، حضور وی نسبت به دیگران شدیدتر و لازم تر است بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۵۴.

<sup>۴۵</sup> - همسایه مسجد در غیر مسجد، نماز ندارد مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۶.

<sup>۴۶</sup> - حریم مسجد چهل ذراع و همسایه مسجد چهل خانه از هر چهار طرف است و سائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۸۴.

٦ - ثواب برگشت از مسجد بعد از انجام طاعت

قال الصادق عليه السلام: ... لا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلَ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ

الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخٌ يَسْتَفِيدُ فِي اللَّهِ. ٤٨

### احترام مسجد

مسجد یکی از اماکن مقدّسه اسلامی است و چون سایر مقدّسات احترام ویژه‌ای دارد و هتک آن حرام و گناه محسوب می‌شود.

قال الصادق عليه السلام: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ. ٤٩

اینک نمونه‌هایی از کیفیت احترام به مساجد را از قرآن کریم و بیان ائمه طاهرين عليهم السلام نقل می‌کنیم.

### ١ - کیفیت ورود و خروج

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ... ٥٠

قال علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قُلْ لِلْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَدْخُلُوا

٤٧ - کسی که اذان مسجد را بشنود و بدون علت برگردد به مسجد نرود اگر به سوی مسجد بازنگردد، منافق است (همان، ص ٥١٣).

٤٨ - مصاحب مسجد، با سه خصلت از مسجد باز می‌گردد، دعایی که خداوند وی را به بهشت برد، دعایی که خداوند بلائی از او بردارد، برادری که در مسیر خدا، یار او باشد همان، ص ٤٧٧.

٤٩ - کسی که احترام مسجد را نگه ندارد، مطرود درگاه خداوند است سفینه البحار، ج ١، ص ٦٠٠.

٥٠ - (سوره اعراف، آیه ٣١) ای فرزندان آدم علی نبینا وآله و علیه السلام، زینت‌های خود را برای رفتن به مسجد با خود داشته باشید.

بَيْتاً مِنْ بُيُوتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ وَأَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ.<sup>۵۱</sup>

قال الصادق عليه السلام: إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَأَعْلَمْ أَنَّكَ قَصَدْتَ بَابَ بَيْتِ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَا يُطَأُّ بِسَاطِئِهِ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

وَلَا يُؤَذَّنُ بِمَجَالِسَتِهِ مَجْلِسِهِ إِلَّا الصَّادِقُونَ....<sup>۵۲</sup>

ایضا عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَأَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ.<sup>۵۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد کیفیت خروج از مسجد می فرماید:

إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ الْمَكْتُوبَةَ، وَخَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَلْيَقِفْ بِبَابِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجِبْتُنِي

دَعَوْتِكَ وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَانْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ

وَاجْتِنَابِ سَخَطِكَ وَالْكِفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.<sup>۵۴</sup>

## ۲ - نظافت مسجد

تطهیر مسجد جزء واجبات فوریه بوده، و اگر وقت نماز تنگ نیست، بایستی قبل از نماز انجام شود. در مورد نظافت

مسجد و تمیز نگاه داشتن آن نیز بسیار سفارش شده است.

به روایاتی تحت عناوین ذیل اشاره می شود:

<sup>۵۱</sup> - خدای عز و جل به حضرت عیسی بن مریم علیها السلام وحی نمود که به ملت بنی اسرائیل بگو: به هیچ خانه‌ای از خانه‌های من جز با قلوب طاهر و چشمان خاشع داخل نشوید بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۷.

<sup>۵۲</sup> - وقتی به درگاه مسجد رسیدی بدان که قصد خانه سلطان عظیمی را نموده‌ای که بساطش را جز برای پاکان نمی‌گستراند و جز به صدیقین اجازه مجالست مجلسش را نمی‌دهد همان، ج ۸۳، ص ۳۷۴.

<sup>۵۳</sup> - وقتی خواستی وارد مسجد شوی پای راست را داخل بگذار و بر محمد و آل وی درود فرست مسـتـدرک الوسـائل، ج ۳، ص ۳۹۲.

<sup>۵۴</sup> - هر گاه یکی از شما نماز واجبش را اقامه نمود و از مسجد خارج گشت نزد درگاه بایستد و بگوید: خدایا دعوتم کردی و من اجابت نمودم و نماز واجبت را خواندم و متفرق شدم چنانچه دستور دادی، اکنون از فضل تو می‌خواهم که عمل به قصد اطاعتت و دوری از خشم و حد کفایت از رزق را به من عطا فرمایی همان، ص ۳۹۴.

## الف) جارو کردن مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَتَسَ مَسْجِدًا مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَكَأَنَّمَا غَزَاَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَ مِئَّةَ

غَزْوَةٍ وَكَأَنَّمَا حَجَّ أَرْبَعَ مِئَّةَ حَجَّةٍ، وَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ أَرْبَعَ مِئَّةَ نَسَمَةٍ وَكَأَنَّمَا صَامَ أَرْبَعَ مِئَّةَ يَوْمٍ.<sup>٥٥</sup>

و ایضا عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَتَسَ مَسْجِدًا أَوْ طَيَّبَهُ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَخَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ رَائِحَةٌ

كَرِيمَةٌ كَرَائِحَةُ الْمِسْكِ الْإِذْخِرِ.<sup>٥٦</sup>

و ایضا عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَهَّرَ مَسْجِدًا فَكَتَسَهُ طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.<sup>٥٧</sup>

## ب) روشن کردن چراغ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سِرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ

يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السِّرَاجِ.<sup>٥٨</sup>

## ج) فرش کردن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ بَسَطَ فِيهِ حَصِيرًا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ ذَلِكَ الْحَصِيرُ.<sup>٥٩</sup>

## تعلیم علم

<sup>٥٥</sup> - کسی که مسجدی را جارو زند همانند این است که در چهارصد غزوه با پیامبر شرکت نموده، چهارصد حج کرده، چهارصد بنده آزاد نموده، و چهارصد روز روزه گرفته باشد **الرسالة العلية**، ص ٦٢.

<sup>٥٦</sup> - کسی که مسجدی را جارو بزند یا خوشبو کند نامه اعمالش را بدست راستش می‌دهند و روز قیامت از قبر برمی‌خیزد در حالی که بوی خوشی چون بوی «انخِر» می‌دهد **همان**.

<sup>٥٧</sup> - کسی که مسجدی را تطهیر و جارو کند، خداوند وی را از گناهانش پاک می‌کند **همان**، ص ٦٣.

<sup>٥٨</sup> - کسی که مسجدی از مساجد خدا را روشن کند، تا مادامی که نوری از آن چراغ باقی است، ملائک و حمله عرش برای او استغفار می‌کنند **وسائل الشيعة**، ج ٣، ص ٥١٣.

<sup>٥٩</sup> - کسی که در مسجد حصیری پهن کند، تا مادامی که چیزی از آن باقی است، هفتاد هزار فرشته بر آن نماز خوانند **کنز العمال**، ٢٠٧٦٧.

مسجد در صدر اسلام، جایگاهی برای رسیدگی به تمامی امور اجتماعی مسلمانان بود. مسلمانان مسائل عاطفی خود را در آنجا به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می داشتند، مرافعات آنان در مسجد حل می شد. مکان اعلام جنگ و صلح مسجد بود، سربازان در مسجد سازماندهی می شدند، و در رأس همه جایگاه تعلیم و تربیت بود. فقه اسلامی در

مسجد

توسعه می یافت و وعظ و ارشاد جامعه در همین محل صورت می گرفت و رابطه خلق با خالق در همان جا تقویت می شد.

از آنجا که اسلام به علم اندوزی اهمیت زیادی می دهد و دستورات اکیدی در برگزاری مجالس علمی در مساجد دارد، بر همین اساس حوزه های علمیه سعی بلیغی دارند که محل درس و بحث روحانیون را در مساجد تشکیل دهند؛ این عمل هم از آن جهت که صرف بودن در مسجد عبادت محسوب می شود حائز اهمیت است و هم اینکه سیره مستمره مصون و محفوظ مانده است.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند، دو حلقه از مردم در دو سوی مسجد نشسته بودند، عده ای مشغول کسب علم و دانش بودند و مباحثه علمی داشتند، و عده ای دیگر در حال راز و نیاز و دعا بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله چون این دو دسته را مشاهده نمود فرمودند:

كَلَّا الْمَجْلِسِينَ إِلَى خَيْرٍ إِمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ إِمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ، هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ،

بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ، ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ.<sup>۶۰</sup>

<sup>۶۰</sup> - هر دو مجلس عمل خیری انجام می دهند. اما اینان مشغول دعا هستند و آنان نیز مشغول تعلیم و یاد دادن علم به نادان، این دسته برترند من برای تعلیم فرستاده شدم. سپس پیامبر با آنان نشست بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

چه نیک است امروز نیز مسجد به عنوان کانون رفع حاجتهای روحانی انسان شناخته شود و تعلیم علم و دانش، جاری شدن صیغه عقد و ازدواج، اعطای گواهینامه‌های علمی و فنی در مسجد انجام شود، تا ضمن تشویق مردم به سوی این مکان مقدّس، جایگاه واقعی مسجد در جامعه آشکارتر شود.